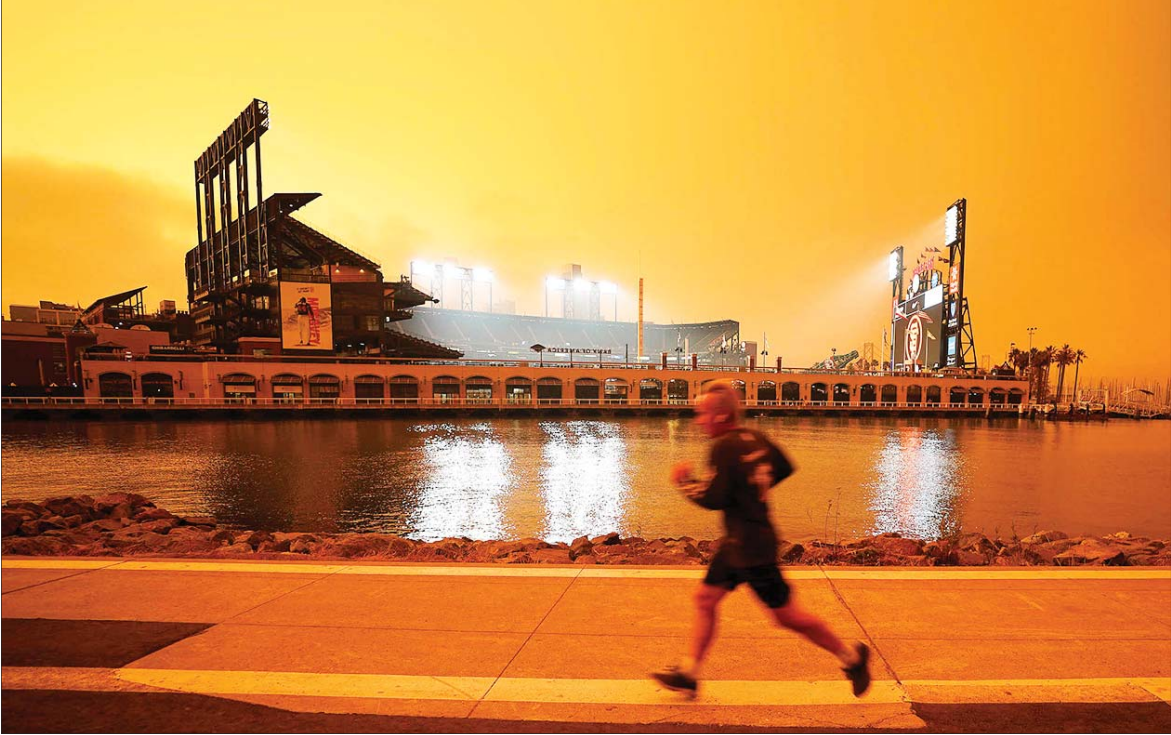


شرق

آتش‌سوزی جنگل‌ها باعث شده آسمان شهر سانفرانسیسکو به رنگ نارنجی دربیاید. / عکس: Tony Avelar-AP



تلنگر

استراتژی باهم‌بودن

غفلت از شنیدن رویکردهای متفاوت با مدیران اجرایی در دولت‌های مختلف از جمله دولت فعلی و استفاده از همه این ظرفیت‌ها و توانایی‌ها است. بر این باورم که توسعه و پیشرفت کشور و سازمان‌ها در گرو همین اندیشه پیشرو و اساسی است.
دعواهای سیاسی و جناحی، حذف و تخریب رقبا، حتی افراد قوی از جناح مقابل و رفتارهای کودکانه در ساختار اداری و مدیریتی و اجرایی کشور چیزی جز اتلاف منابع انسانی و هزینه‌های دیگر نخواهد داشت.
فراموش نشود که در پذیرش باهم‌بودن یکی از الزامات پذیرش همین تفاوت‌هاست. بدون شک در چنین فضای مه‌آلودی مردم بیش از گذشته ناامید خواهند شد که خود می‌تواند موجب کاهش اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی مردم و در معنای عام‌تر، کاهش سرمایه اجتماعی در جامعه شود.
دعواهای واقعی یا به اصطلاح زرگری در پذیرش تخریب دیگران یا حذف رقبا موجب فاصله‌گرفتن مردم از این جناح‌ها و مدیران خواهند شد. مصلحت سازگارت و تاب‌آورتر می‌شوند. در چنین شرایطی مردم به مسئولیت‌پذیرتر می‌شوند (که تاکنون هم چیزی هم نگذاشتند از جان و مال خود برای بقا گذشتند) و هم مشارکت‌جوتر؛ مؤلفه‌هایی که برای هر مدیری در هر سطحی از مسئولیت در مدیریت ملی، استانی و



سیدحسین موسوی‌چلک رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

امروزه اهمیت استفاده از همه ظرفیت‌ها برای موفقیت جوامع مختلف و حتی سازمان‌ها و ایجاد فضای آرامش و افزایش رضایت اجتماعی تدبیری هوشمندانه و عاقلانه است و اگر غیر از این باشد، باید هزینه پرداخت شود که گاهی اوقات این هزینه‌ها جبران‌ناپذیرند یا اگر قابل جبران باشند، بسیار سخت خواهد بود. در این فضا منتقد و موافق هر دو با هم جای می‌گیرند نه‌فقط موافقان. این جای‌گرفتن همیشه ممکن است به‌صورت پست‌های اداری و مناصب‌های مختلف نباشد بلکه حتی شنیدن دیدگاه‌ها و نظراتشان هم می‌تواند یکی از این راه‌ها باشد.
فراموش نکنیم که فقط از یک زاویه دیدن و اعتمادکردن به افرادی که در مقابل هر گفته‌ای حتی ناصواب و دروغ، اقدامی حتی ناکارآمد، تصمیمی حتی برخلاف قوانین و مصالح جامعه یا سازمان و... فقط سرشان را به علامت تأیید تکان می‌دهند و مدافنه می‌کنند و... خود خطایی بزرگ است که موجب می‌شود نتوان از همه ظرفیت‌ها به‌خوبی و به‌موقع استفاده کرد.
ایمن را بپذیریم که شرایط فعلی کشور که در برخی از حوزه‌ها ناکارآمدی خود را نشان داده است، نتیجه همین نگاه یک‌سویه و

www.sharghdaily.ir

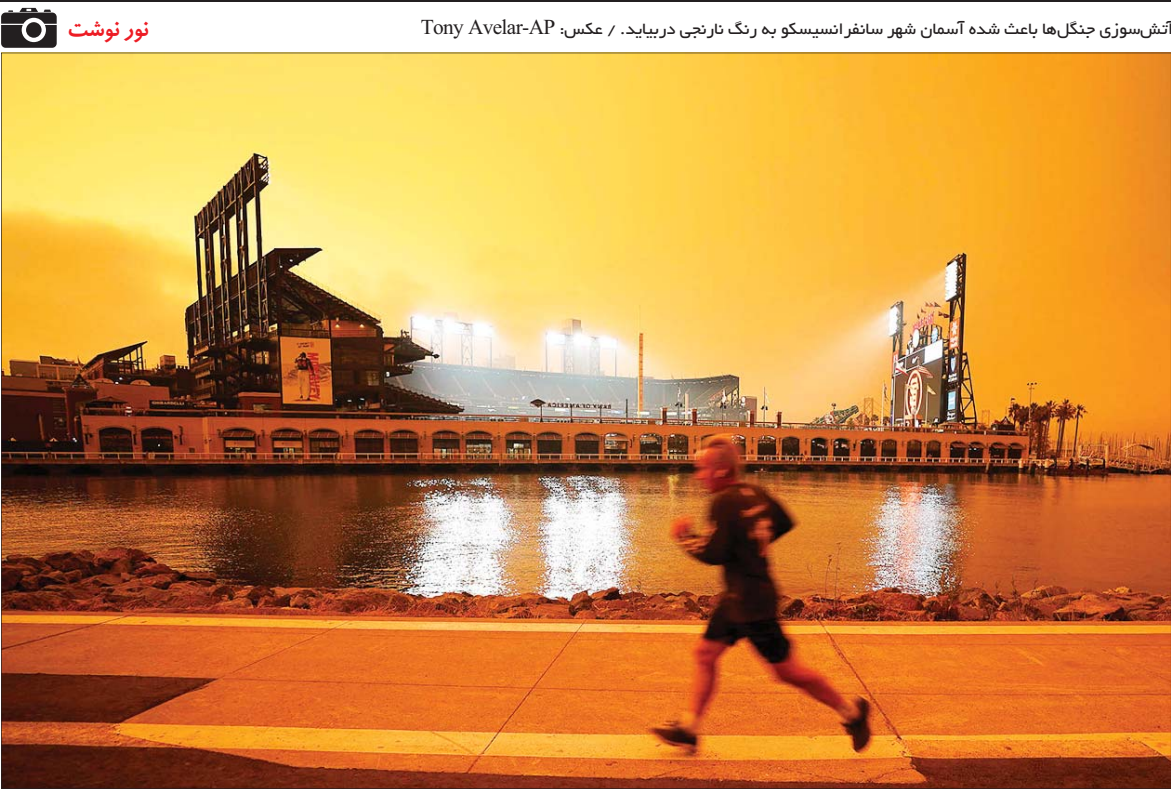
یکشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۹۹
۲۴ محرم ۱۴۴۲
۱۳ سپتامبر ۲۰۲۰

سال هجدهم • شماره ۳۸۱۵ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۰
اذان مغرب ۱۹:۳۲
اذان صبح فردا ۵:۲۱ • طلوع آفتاب ۶:۴۶

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فردا



روزها

آموزش زیر سایه اسلحه

و خانواده‌های آنها را روزبه‌روز بدتر می‌کند. بدون آموزش‌وپرورش، نمی‌توان از حق تحصیل کودک در مناطق درگیری محافظت کرد.
آموزش می‌تواند نجات‌دهنده زندگی باشد. در خارج از مدرسه، کودکان به‌راحتی مورد سوءاستفاده و استثمار قرار می‌گیرند و به‌عنوان کودک‌سرباز در گروه‌های مسلح اسیر می‌شوند.
مدرسه باید فضای امنی فراهم کند که کودکان بتوانند در برابر تهدیدها و بحران‌ها محافظت شوند. اگر این امکان فراهم شود، یک گام حیاتی برای شکستن چرخه بحران برداشته می‌شود و احتمال درگیری‌های آینده را کاهش می‌دهد.

این روزها توجه بیشتری به ۷۵ میلیون کودک سه تا ۱۸ ساله در ۳۵ کشور آسیب‌دیده از بحران، می‌شود و نیاز فوری آنها به حمایت آموزشی‌توجه‌ها را جلب می‌کند. این نگرانی به دلیل تأثیرات خشونت مداوم بر این کودکان است و دسترسی‌نداشتن آنها به آموزش‌وپرورش سبب شده بیشتر به پیامدهای ترک تحصیل توجه شود.

فراگیران و دانش‌آموزانی که مدارس و مؤسسات آنها به دلیل همه‌گیری کووید ۱۹ به‌طور موقت تعطیل شد، نیازمند توجه ویژه هستند. این روز با حمایت مجمع عمومی سازمان ملل متحد، یونسکو و یونیسف انتخاب شده و خواستار آگاهی مردم و دولت‌های جهان از اوضاع وخیم میلیون‌ها کودک در کشورهای متأثر از درگیری، شده‌اند. اعلامیه این روز توسط کشور قطر تهیه و با حمایت مالی ۶۲ کشور ارائه شد.

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۹۹
۲۴ محرم ۱۴۴۲
۱۳ سپتامبر ۲۰۲۰

سال هجدهم • شماره ۳۸۱۵ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۰
اذان مغرب ۱۹:۳۲
اذان صبح فردا ۵:۲۱ • طلوع آفتاب ۶:۴۶

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فردا

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۹۹
۲۴ محرم ۱۴۴۲
۱۳ سپتامبر ۲۰۲۰

سال هجدهم • شماره ۳۸۱۵ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۰
اذان مغرب ۱۹:۳۲
اذان صبح فردا ۵:۲۱ • طلوع آفتاب ۶:۴۶

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فردا

• سال تحصیلی در شرایطی زودتر از زمان همیشگی آغاز می‌شود که برای دانش‌آموزان مناطق محروم در عمل هیچ‌گونه برنامه‌ریزی مشخص و کمک‌کننده‌ای وجود ندارد. دو معضل اساسی در این مناطق وجود دارد: اساساً اینترنت وجود ندارد یا اگر دسترسی به اینترنت هرچند ضعیف هم وجود داشته باشد، دانش‌آموزان چنین خانواده‌هایی اغلب فاقد گوشی هوشمند یا تبلت یا لپ‌تاپ هستند. ازاین‌رو دانش‌آموزان روستایی به‌طور جدی فراموش شده‌اند.

در روستاهای بسیار دور‌دست که اغلب در مناطق صعب‌العبور قرار گرفته‌اند، علاوه بر مدراسی به شکل مرسوم که از سوی آموزش‌وپرورش‌های استان یا نهادهای خیریه شخصی یا عمومی ساخته شده، گونه‌های دیگری از مدارس نیز به وفور دیده می‌شود.

۱. مدارس کبری؛ یعنی مدرسه‌ای که در کپرها تشکیل می‌شود. بعضی از مدارس کبری دارای نیمکت، ولی اغلب دانش‌آموزان روی موکت نشسته و هر شش پایه در همان مدرسه کبری از سوی یک معلم تدریس می‌شود.

۲. مدارس کانکسی؛ یعنی مدرسه‌ای که از یک یا دو کانکس متصل به هم تشکیل شده است. بزرگ‌ترین عیب مدارس کانکسی گرما و سرمای آن است، به‌طوری‌که معلم و دانش‌آموزان ترجیح می‌دهند بیرون از کانکس کلاس‌ها را برگزار کنند؛ چون فضای کانکس بسیار کوچک است و حتی اگر کولر هم داشته باشد، به دلیل کوچک‌بودن فضا و تعداد زیاد دانش‌آموزان به‌سرعت سرد می‌شود؛ به‌طوری‌که ناچار به خاموش‌کردن کولر می‌شوند و درست به همان سرعت نیز هوای داخل کانکس گرم و تحمل‌ناپذیر می‌شود. اگر هم مدرسه کانکسی فاقد کولر باشد، مشکل اساسی خود کانکس است که جنس فلزی آن موجب می‌شود تابستان‌ها بسیار گرم و زمستان‌ها بسیار سرد باشد.

۳. مدارس درختی از عجیب‌ترین گونه مدارس است که برای اولین بار در کرمان دیده‌ام؛ یعنی دانش‌آموزان یک سال تحصیلی را به‌طور کامل در زیرک درخت کلاس‌های خود را تشکیل می‌دهند. وجود مدارس درختی که البته فراوانی نداشته و نادر است، حاصل کمبود و نبود فضاهای آموزشی در استان‌های محروم و کم‌برخوردار است. استان‌هایی که با وجود بضاعت‌های خددا‌دادی، برنامه‌ریزی مناسبی نداشته یا کمتر داشته و ساکنان آن از کمترین مزایای معمول و بدیهی نیز بی‌بهره‌اند.

۴. مدارس مختلف که گذاشتن نام بر روی آنها دشوار است؛ مثل مدارس مغازه‌ای، بشخصه در بلوچستان در استان سیستان‌وبلوچستان و نزدیک به نقطه صفر مرزی مغازه‌هایی را دیده‌ام که با گذاشتن نیمکت تبدیل به مدرسه شده بودند. بدون هیچ امکاناتی یا مدراسی مثلاً دوکلاسه که به دلیل افزایش تعداد دانش‌آموزان، مدیران ناچار به برگزاری «کلاس‌های بیرونی» شده‌اند؛ یعنی کلاس‌هایی که در بیرون از کلاس‌های مسقف و در فضای باز و با نشستن دانش‌آموزان روی زمین خاکی روستا تشکیل می‌شود. کلاس‌هایی که برای برگزاری عدالت آموزشی‌ا گاه به شکل چرخشی در بیرون و داخل کلاس‌ها برگزار می‌شود. در همین کلاس‌های بیرونی که اغلب فاقد تخته است، معلمانی را دیده‌ام که روی تکه‌ای کاغذ مثلاً یک مسئله ریاضی را نوشته، روی دست بلند کرده و به دانش‌آموز نشان داده‌اند و بعد روی یک کاغذ دیگر تدریس را ادامه داده‌اند.

در این دست روستاهای محروم که پراکنده‌گی آن استان‌های مختلفی از جنوب تا شرق کرمان تا خراسان و سیستان‌وبلوچستان و هرمزگان را شامل می‌شود، اغلب امکانی برای دسترسی به شبکه مخابرات و اینترنت وجود ندارد. تلفن ثابت ندارند، اینترنت ندارند و به دلیل فقر حاکم، خانواده‌ها گوشی‌های مناسب و هوشمند نیز ندارند. بشخصه بارها و بارها روستائسانی دیده‌ام که گوشی‌هایشان، گوشی‌های قدیمی نوکیا بوده و چنان فرسوده و زه‌واردرفته بوده که با بستن کش به دور آن سعی در استفاده از گوشی‌های خود نداشته‌اند. گوشی‌هایی که ممکن است در بلندترین نقطه روستایا روی کوه به اندازه یک تلفن‌زدن آتش دهد و کارایی داشته باشد.

جامعه مورد بحث این یادداشت، روستاهای مناطق بسیار دورافتاده است که نه از برنامه شاد مطلع‌اند و نه حتی سواد استفاده از آن را دارند؛ بنابراین در این زمینه تنها آموزش‌وپرورش نیست که باید پاسخگو باشد؛ بلکه وزرای معارف، بهداشت و راه‌شهرسازی و در مجموع بدنه مسئولان و برنامه‌ریزان باید درباره نبود هرگونه امکاناتی در این مناطق به‌طورجدی پاسخگو باشند. مشکلاتی که زنجیروار روستائیان ساکن در مناطق دورافتاده را بدون هیچ آموزشی در تمام حوزه‌های فرهنگی، رفاهی، آموزشی، اقتصادی، سیاسی... به حال خود رها کرده است. شاید شیوع این بیماری جهانی، برای مسئولان «شادزی» و «شادساخت» فرصت و کوشش‌دی جدی باشد، برای توجه به مسائل دانش‌آموزان روستایی؛ دانش‌آموزانی که چه بسا کووید ۱۹ آنان را بیش از هر زمان دیگر از تحصیل بازدارد.

مغز اجتماعی-۱۳۱

ساقه مغز و نخاع در پیوندی تنگاتنگ قرار می‌دهد و باعث انقباضات عضلانات در قلب، ریه، احشای شکمی، کلیه و ترشح غدد مختلف و... می‌شود. بنابراین استیل کولین در همه کنش‌های انسانی شرکت مؤثر و لازم دارد و فعالیت ضربان‌ساز حیاتی آن وابسته به فعالیت آنزیم «استیل کولین ترانسفراز» است. اما گاهی پیش می‌آید که به علت اختلال در کار نورون‌های سازنده «استیل کولین» یا گیرنده‌های ویژه متکثر آن اختلال پیش آید. به عنوان مثال در سطح عضلات ارادی در بیماری میاستنی گراو، مجبور می‌شویم با داروی مهارکننده به طور موقت بازگشت‌پذیر کار آنزیم استیل کولین ترانسفراز را کاهش دهیم و باعث افزایش ماندگاری استیل کولین شویم تا ضعف عضلانی ناشی از بیماری برطرف شود. همچنین جالب است بدانید که امروزه برای درمان بعضی از علائم شناختی و حافظه‌ای بیماری آلزایمر نیز از مهارکننده آنزیم «استیل کولین ترانسفراز» استفاده می‌کنیم. ولی باید توجه داشته باشیم که این مهارکننده‌ها چون سم نوچوک غیر قبل بازگشت و خطرناک نیستند که تمامی نظام کارساز بدنی را دچار اختلال مرکب‌را کنند، بلکه فقط به‌طور موقت باعث بالارفتن سطح استیل کولین در مغز می‌شوند. چون در بیماری آلزایمر، نورون‌های سازنده استیل کولین در قاعده مغز کم می‌شوند. ولی سم نوچوک با ادامه زندگی منافات دارد. این سم عمل آنزیم «استیل کولین ترانسفراز» را چنان در تمامی بدن دچار اختلال می‌کند و «استیل کولین» را افزایش می‌دهد که فرد مسموم دچار انقباض عضلانی دائم، تشنج، تنگی نفس شدید، تعرق فراوان، ترشح براق، خلط، تهوع و استفراغ، درد و پیچش شکمی، احساس خفگی، تنگی نفس، گرفتگی قلب، قطع تنفس و ضربان قلب و گاه مرگ می‌شود. اگر فرد زنده بماند، تشنج، اختلال سطح هوشیاری و اغما، ازدست‌دادن قوه شناخت و حافظه می‌تواند از عوارض طولانی‌مدت آن باشد. حال می‌دانیم که همه اینها می‌تواند با توقف غیر قابل بازگشت عملکرد یک آنزیم به نام «استیل کولین ترانسفراز»، لازم برای فعالیت طبیعی یک انتقال‌دهنده شیمیایی نورونی در بدن یعنی «استیل کولین»، رخ دهد.

سم نوچوک با تمامی فاجعه انسانی‌ای که به بار می‌آورد، واقعیتی را به ما گوشزد می‌کند و آگاهی ما را به آن جلب می‌کند. آن هرم درک زنجیروار و غیرخطی علت و معلولی کارکرد نظام بدن انسان و رابطه غیر قابل تقلیل و غیر قابل انفکاک «جزء» به «کل» در سطح عمودی و افقی و ماریچی آن به طور دوجانبه در تجربیات زندگی است. به طوری که جزئی کوچک چون مولکول استیل کولین با آنزیم شکننده آن در بدن، فعالیت متنوع و متفاوتی در کلیت بدن، بسته به موقعیت و مناسبات خود پیدا می‌کند. «جزء»‌های متفک از یکدیگر نیستند که «کل» را می‌سازند، بلکه کل هم می‌تواند در کار همه اجزا در تمامی سطوح دخالت داشته باشد. بنابراین اصل در سیستم‌های پیچیده‌ای چون بدن انسان، اهمیت کل در به‌کارگیری اجزا در نقش‌های متکثر، در عین حال اثرگذاری فعالیت‌های نوظهور اجزا در خصوصیات کل است. از اهمیت این نکته نباید غافل بمانیم که نظاهرات بدنی در هنگام بحران رویارویی با سم نوچوک به شکل دراماتیکی چون فریادی از عمق وجود جسمانی برای جلب کمک از دیگری است. این خود نشان می‌دهد که انسان در هیچ شرایطی نمی‌تواند خود را بدون شریک تصور کند. چون در زیست جهان انسانی، «بدن ـ سوزه» معنای خود را در این شراکت پیدا می‌کند.

پرنده آبی

کمپین ناتمام

روز گذشته نوید افکاری اعدام شد. ابتدا این مهدی محمودیان بود که در حساب توئیتری خود خبر داد که صبح روز گذشته به خانواده افکاری خبر داده شد که فرزندشان به دار آویخته شده و ساعتی بعد از آن هم خبر تأیید شد. مرکز رسانه قوه قضائیه هم در توضیحی درباره اجرای این حکم اعلام کرد: «حکم قصاص نوید افکاری با اصرار اولیای دم با عنوان حق‌الناس و حق شخصی آنها دمامد امروز به مرحله اجرا درآمد».

محمودیان همچنین در حساب توئیتری خود خبر داده بود که پیش از این تلاشی برای جلب رضایت خانواده مقتول صورت گرفته بود و برای همین او و یکی دیگر از برادران افکاری در فرودگاه تهران و در حال حرکت به سمت شیراز بودند که خبر اعدام را دریافت کردند. محمودیان در حالی از موافقت اولیه خانواده مقتول برای دیدار و گفت‌وگو درباره رضایت حرف می‌زد که در توضیح قوه قضائیه «امرار اولیای دم» یکی از دلایل اجرای حکم اعدام در بامداد روز گذشته عنوان شده است. پیش از این هم صدواسیما و یکی، دو خبرگزاری داخلی در واکنش به کمپین فضای مجازی کمک داشت به یکی از موضوعات پرحیث این روزهای شبکه‌های اجتماعی بدل شده بود. اما هر چه بود این کمپین مثل قبلی به نتیجه حادقلی هم نرسید و در یک شوک خبری صبح روز گذشته خبر رسید که نوید افکاری اعدام شده است.

نام «نوید افکاری» بار دیگر به هستکی داغ در شبکه‌های اجتماعی بدل شد. این بار نه به خاطر تلاش برای رهاشدن از طاب دار و اعدام که واکنش به خبر اعدام‌شدنش. او یکی از سه برادر افکاری است که در حوالی اعتراضات مرداد ۹۷ ر ۱۳۹۷ شیراز دستگیر شده است. اتهام او قتل حسن ترکمان است. شاید کمتر کسی اعتراضات مرداد ۹۷ را به خاطر داشته باشد یا حتی دستگیری نوید افکاری که سابقه حرف‌های حضور در رقابت‌های کشتی را دارد هم به یاد بیاورد. اما توجه‌ها به او و حکمش در فاصله کوتاهی از صدور حکم اعدام برای سه متهم به اعدام اعتراضات آبان ۹۸ جلب شد. تیرماه امسال بود که خبر حکم اعدام «امیرحسین مرادی، محمد رحبی و سعید تمجیدی» که در جریان اعتراضات آبان ۹۸ دستگیر شده بودند، منجر به راه‌افتادن یک کمپین بزرگ در شبکه‌های اجتماعی شد. هشتک «اعدام نکنید» تنها هشتک این کمپین بود و خیلی زود در فضای مجازی داغ شد و در صدر ترندهای جهانی توئیتر قرار گرفت. در نهایت و حداقل تا اینجای کار حکم اعدام سه بازداشتی اعتراضات آبان ۹۸ متوقف شد و به این ترتیب این کمپین تلاش کرد تا در موارد بعدی هم برای جلوگیری از حکم اعدام چند متهم دیگر تلاش کند. از جمله اینکه بعد از انتشار خبر صدور حکم اعدام برای نوید افکاری و همچنین زندان و شلاق برای دو برادر دیگرش کمپین «اعدام نکنید» تلاش کرد تا جلوی اعدام «نوید افکاری» را هم بگیرد. کمپینی که حالا از مرز ۱۰ میلیون توییت هم گذشته است. باین‌حال و برخلاف مورد قبلی این یکی به نتیجه نرسید و صبح



عبدالرحمن نجل رحیم مغزپژوه